

واکاوای مقایسه‌ای علل توسعه‌نیافتگی روستایی: مورد مطالعه روستاهای بخش مارگون در شهرستان بویراحمد

علی اصغر احمدی کیش، مصطفی احمدوند* و مریم شریف‌زاده^۱

(دریافت: ۹۴/۰۹/۲۲؛ پذیرش: ۹۵/۰۵/۱۸)

چکیده

هدف مطالعه‌ی حاضر بررسی علل توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی بخش مارگون در شهرستان بویراحمد بود. برای این منظور، نخست با استفاده از روش اسکالوگرام گاتمن روستاهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته بخش مارگون شناسایی و تفکیک شدند. آنگاه سه روستا با بیشترین سطح توسعه‌یافتگی و سه روستا با کمترین سطح توسعه‌یافتگی (توسعه‌نیافته) گزینش شدند. سپس، ۳۰ درصد از سرپرستان خانوارهای هر روستا به‌عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. به این ترتیب ۲۲۵ سرپرست خانوار در این پژوهش شرکت داشتند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها، از پرسش‌نامه و به‌منظور تجزیه و تحلیل آن‌ها از تحلیل عاملی، مقایسه میانگین‌ها و تابع تشخیص بهره‌گرفته شد. در این زمینه ابتدا به‌منظور سنجش انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی از آزمون *KMO* و آماره بارتلت استفاده شد. در این بررسی با توجه به ملاک کیسیر، ده عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شدند که عامل‌های مدیریتی، اجتماعی، زمینه‌ای، نگرشی، زیربنایی، رضایتی، فردی، مشارکتی، اخلاقی و مالی و اعتباری نام‌گذاری گردیدند. این عوامل در مجموع ۷۳/۲۱ درصد از واریانس کل عامل‌ها را تبیین نمودند. همچنین یافته‌های حاصل از مقایسه میانگین‌ها نشان داد که وضعیت عامل‌های اجتماعی، مالی و اعتباری، مشارکتی، زیربنایی، اخلاقی و فردی در دو گروه روستاهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته به‌طور معناداری متفاوت بود. برای تعیین اهمیت و جایگاه هر یک از این عوامل در تفکیک دو گروه روستاهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته از تابع تشخیص استفاده به عمل آمد که عامل عمرانی با وزن تشخیص (۰/۶۶۲)، مالی و اعتباری (۰/۴۹۷) و مشارکتی (۰/۴۷۱) بیشترین سهم را در تفکیک روستاهای توسعه‌یافته از توسعه‌نیافته داشتند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل عاملی، ترویج کشاورزی، توسعه‌نیافتگی، توسعه روستایی، مارگون، بویراحمد.

^۱ - به ترتیب، دانش آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشیار ترویج و توسعه‌ی کشاورزی و استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، گروه مدیریت توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
* - مسئول مکاتبات، پست الکترونیک: mahmadvand@yu.ac.ir

توسعه روستایی در چند دهه اخیر همواره یکی از دغدغه‌های اصلی توسعه در ایران و اکثر کشورهای در حال توسعه بوده و در بسیاری از کشورها، توسعه‌ی روستایی راهبردی با اهمیت برای تأمین نیازهای اساسی از جمله غذا است (بدقار، ۱۳۸۳). روستاها به‌عنوان تولیدکننده مواد غذایی بوده و از طریق تولید محصولات کشاورزی، بخش قابل ملاحظه‌ای از مواد اولیه صنعت را تأمین می‌کنند و سهم قابل توجهی در اشتغال، تولید ناخالص ملی و اقتصاد کشورهای در حال توسعه دارد (رضائی‌مقدم و کرمی، ۱۳۸۵). این در حالی است که اکثریت مردم فقیر در روستاها زندگی می‌کنند. فزون بر آن، اهمیت روستاها به‌عنوان واحدهای تولیدی کوچک از این نظر قابل توجه است که خالی از سکنه شدن هر یک از این روستاها به معنی تعطیلی یک واحد تولیدی و تبدیل جمعیت تولیدکننده دارای شغل و مسکن به جمعیت مصرف‌کننده و فاقد شغل و سرپناه است (جمعه پور، ۱۳۸۹). این در حالی است که تجربه چند دهه‌ی اخیر در زمینه‌ی توسعه نشان می‌دهد که این بخش از جامعه از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده است. به‌طور کلی اهمیت و ضرورت توجه به توسعه روستایی از این جهات قابل بررسی است که حدود ۳۰ درصد جمعیت کشور در مناطق روستایی به سر می‌برند. در واقع به لحاظ انسانی لازم است که مردم روستایی به‌ویژه افراد فقیر نیز همسان جوامع شهری زندگی کنند و از این فرصت‌ها استفاده نمایند. از سوی دیگر، نقش روستاییان در تولید محصولات غذایی و کشاورزی نیز بسیار حائز اهمیت است. طبق بررسی‌های انجام شده بیش از ۸۰ درصد فعالیت‌ها و تولیدات کشاورزی مربوط به روستاییان می‌باشد. از لحاظ زیست‌محیطی هم حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد عرصه‌های طبیعی کشور در کنترل و فعالیت‌های روستاییان است. از همه مهم‌تر وجود فقر در روستاها و ضرورت محو آن از دیگر ضرورت‌های توسعه روستایی است. طبق بررسی‌های انجام شده ۲۶/۴ درصد خانوارهای روستایی کشور زیر خط فقر قرار دارند و با توجه به این که بخشی از فقر موجود در شهرها نیز منشأ روستایی دارد، تأمین نیازهای اساسی جمعیت روستایی و کاهش و محو فقر و توسعه معیشت پایدار آنان در کانون اهداف توسعه روستایی است (نوروزی و حیاتی، ۱۳۹۴).

استان کهگیلویه و بویراحمد استانی نیمه روستایی است و بیشتر مواد مصرفی کشاورزی در شهرهای استان از روستاها تأمین می‌گردد و در برخی از مناطق به‌خصوص مناطق روستایی، توسعه‌نیافتگی روستایی با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده و هست، به‌طوری که اینک شاهد مهاجرت بی‌رویه به شهرها و حاشیه نشینی، رشد بیکاری، به وجود آمدن شغل‌های کاذب و خالی شدن روستاها از سکنه بوده و باعث بدون استفاده ماندن بخش مهمی از ذخایر و منابع خدادادی استان به‌خصوص در شهرستان بویراحمد شده است. همچنین تحقیقات مختلف صورت گرفته نشان می‌دهد که استان کهگیلویه و بویراحمد از نظر شاخص‌های مختلف توسعه در رتبه‌های آخر درجه توسعه‌نیافتگی روستایی قرار دارد. در تحقیقی که به‌وسیله سپهردوست (۱۳۹۰) انجام گرفت، روستاهای استان از نظر شاخص‌های توسعه سلامت جزو نامطلوب‌ترین استان‌ها و در بین کل استان‌های کشور در رتبه ۲۹ قرار داشت. تحقیق دیگری که به‌وسیله حسینی (۱۳۷۵) انجام گرفت نشان داد، این استان از نظر شاخص توسعه راه روستایی و نسبت آبادی‌های دارای پزشک در بین ۲۴ استان کشور در رتبه ۲۴ و شاخص‌های بهداشتی در رتبه ۲۳، جمعیتی و زیربنایی در رتبه ۲۴، اقتصادی در رتبه ۱۶ و در رتبه‌بندی کلی در مقایسه با سایر مناطق روستایی کشور در رتبه ۲۳ قرار گرفت. با توجه به این که شاخص‌های توسعه روستایی در کشور گویای توسعه‌نیافتگی روستاهای کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد، مهم‌ترین پرسشی که مطرح می‌گردد این است که با توجه به موقعیت جغرافیایی استان و شهرستان بویراحمد و همچنین برخورداری از منابع رو زمینی و زیرزمینی فراوان، چرا هنوز از نظر شاخص‌های توسعه‌ای جزو توسعه‌نیافته‌ترین استان‌های کشور قرار دارد؟ و علل توسعه‌نیافتگی روستاهای بخش مارگون در شهرستان بویراحمد به‌عنوان یکی از بخش‌های استان کدامند؟ در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف واکاوی علل توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی بخش مارگون شهرستان بویراحمد صورت پذیرفته است.

در زمینه‌ی علل توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی، مطالعه جامعی یافت نشد، لیکن در زمینه‌ی ابعاد مختلف توسعه و نقش آن‌ها در توسعه روستایی و چالش‌های موجود، مطالعاتی صورت گرفته که در زیر بدان‌ها اشاره می‌گردد.

قالیباف و میرزا زاده کوهشاهی (۱۳۸۸) در مطالعه دیگری به نام علل و موانع توسعه نیافتگی جزیره ابوموسی نشان دادند که مجموعه عواملی مانند موضوعات سیاسی نظیر وضعیت مالکیت جزیره، روابط با کشور امارات، ضعف سیاست‌گذاری کلان و مسائلی مانند موقعیت جغرافیایی، وضعیت اقلیمی، ناپایداری جمعیت سبب توسعه نیافتگی این منطقه شده‌اند. مطیعی‌لنگرودی و سخایی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند نشان دادند که جوانی جمعیت، نبود کار و درآمد، کاهش اعتماد اجتماعی به عملکرد دولت، وجود اختلاف بین روستاییان، چند طایفه‌ای بودن، ناآگاهی اجتماعی و سیاسی و ناآگاهی از برنامه‌های مشارکتی، تقدیرگرایی و سپردن امور به سرنوشت و تصدی‌گری دولت از مهم‌ترین موانع توسعه هستند.

کریمی و هاشمی (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی با عنوان نظرسنجی از روستاییان در مورد چالش‌های توسعه پایدار روستایی در دهستان ساروق شهرستان اراک، نبود بهداشت، کمبود درآمد، اشتغال، پایداری جنگل و خاک و آب را به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌های توسعه پایدار روستایی برشمردند.

سلمانی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به‌عنوان بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی نشان دادند که عوامل مربوط به مشارکت شامل مشارکت مالی، ارتباط با مدیریت روستا و اعتماد از عوامل توسعه روستایی می‌باشند. موسی پور میاندهی و استعلاجی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان تحلیلی بر سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی شهرستان بندر انزلی نشان دادند که سطوح برخورداری در هر یک از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و خدماتی با یکدیگر برابر نیست. در مجموع ۶۶/۶ درصد از روستاها توسعه‌یافته، ۲۲/۹ درصد کمتر توسعه یافته و ۱۰/۵ درصد توسعه‌نیافته گزارش شدند. فتحی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تحلیل نظام‌مند نقش عوامل جغرافیایی در توسعه روستاهای استان اردبیل به این نتیجه رسید که کمبود نیروی انسانی متخصص، ضعف زیرساخت‌های بیرونی و درون استانی، شرایط اقلیمی، محدودیت اراضی کشاورزی، شیب تند زمین، پراکندگی آبادی‌ها، فقدان دشت، تعداد چشمه و پراکندگی آن‌ها از تنگناهای مناطق توسعه نیافته می‌باشد. علیانی و محمدی نژاد (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان نقش سرمایه اقتصادی در توسعه نیافتگی روستایی ایران نشان دادند که مهم‌ترین

کلانتری و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان چالش‌های عمده توسعه روستایی در ایران به این نتیجه رسیدند که فقدان تنوع در فعالیت‌های اقتصادی، سطح پایین درآمد، فقر روستایی، فقدان مدل مناسب، عدم هماهنگی برنامه‌های توسعه روستایی، عدم مشارکت سازمان‌های غیر دولتی، شرایط اکولوژیکی نامساعد روستاها، عدم استفاده از تکنولوژی مناسب در بخش کشاورزی، فقدان آگاهی روستاییان، کوچک بودن روستاها، غلبه نیروی کار غیرمتخصص بر فعالیت‌های روستایی و ضعف زیرساخت‌های روستایی از چالش‌های مهم توسعه روستایی هستند.

افراخته (۱۳۸۵) نیز در پژوهشی با عنوان نقش ادراک محیطی در توسعه نیافتگی روستایی شهرستان فومن نشان داد که نابرابری، بیکاری، فقر، مهاجرت، کمبود سرمایه، نبود مهارت و خلاقیت، بی‌توجهی به اندیشه جدید از سوی مردم و برنامه‌ریزی روستایی نامناسب، مهم‌ترین عوامل مؤثر در توسعه نیافتگی روستاها می‌باشند. همچنین مختاری‌حصاری و زارعی‌دستگردی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی موانع و چالش‌های توسعه روستایی ایران از منظر برنامه‌ریزی نشان دادند که پراکندگی شدید نقاط روستایی، کوچک بودن، عدم وجود ساختار مشارکتی، عدم انسجام اجتماعی بین تولیدکنندگان روستایی، کمبود سازمان‌ها و نهادهای مردمی برای مشارکت، روابط نامتعادل شهر و روستا، دشواری نگهداری جمعیت در محیط‌های روستایی به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی، شهرگرایی روستاییان، فقدان الگو و مدل مشخص، نابسامانی در مدیریت سرزمین، نبود برنامه‌ریزی دراز مدت، عدم اعتقاد بعضی تصمیم‌گیران در ساختار برنامه‌ریزی کشور به توسعه روستایی، وجود ساختار فضایی متمرکز، تسلط ساختار بخشی‌نگری، عدم ارتباط بین سازمان‌های اجرایی عمده‌ترین موانع توسعه روستایی در ایران هستند.

بهرامی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای با عنوان چالش‌های عمده توسعه روستایی در کردستان نشان داد در بخش اقتصادی کمبود درآمد، فقر، در بخش کالبدی و فیزیکی؛ ضعف سکونت‌گاه‌ها در برابر زلزله و کمبود مصالح مقاوم، در بخش طبیعی؛ ارتفاع زیاد، شیب تند زمین، فقدان توازن بین دام و مرتع، در بخش مدیریت و برنامه‌ریزی؛ فقدان سیاست منطقی در برابر روستا و ضعف مشارکت مردم و نهایتاً در بخش اجتماعی؛ کمبود خدمات و بالا بودن نرخ بیکاری، عمده‌ترین چالش‌های توسعه روستایی محسوب می‌شوند.

اعظمی و همکاران (Aazami et al., 2012) در پژوهش دیگری با عنوان تعیین سطوح توسعه‌نیافتگی روستاهای همدان در طی سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۶ نشان دادند که مناطق روستایی استان همدان با کاهش نابرابری اقتصادی در طی این سال‌ها رو به رو بوده اما در شاخص‌های کشاورزی، سلامت و آموزش و پرورش این نابرابری‌ها زیاد شده است. همچنین در این پژوهش مناطق توسعه یافته و توسعه نیافته شناسایی شدند.

با استناد به پیشینه نگاشته‌ها پیرامون علل توسعه‌نیافتگی روستاها و همچنین شاخص‌های توسعه روستایی و نتایج پژوهش‌های گذشته که در بالا به آن‌ها اشاره شد، عوامل توسعه‌نیافتگی به پنج بخش تقسیم می‌شوند که عبارتند از: اقتصادی (بیکاری، فقر، کمبود سرمایه، کمبود درآمد، کمبود خدمات، اشتغال، عدم دسترسی به تسهیلات)، اجتماعی (نابرابری، نبود مهارت و خلاقیت، سرمایه اجتماعی، وجود اختلاف بین روستاییان و چند طایفه‌ای بودن، کمبود نیروی انسانی متخصص)، فرهنگی (ناآگاهی، تقدیرگرایی، وابستگی روستاییان به تصمیم‌گیری بیرونی)، محیطی و کالبدی (پراکندگی روستاها، کوچک بودن روستاها، وجود ساختار فضایی متمرکز، ارتفاع زیاد، شیب تند زمین) و سیاسی (سازمان‌ها، برنامه‌ریزی، اعتقاد تصمیم‌گیران، بخشی‌نگری، نبود مدل مشخص، مدیریت) که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفتند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، تحقیقی تحلیلی و از لحاظ تجزیه و تحلیل عددی داده‌ها، تحقیقی کمی است. روش پژوهش نیز توصیفی-تحلیلی با رویکرد مقایسه‌ای است. قابل ذکر است که این مقاله بخشی از پژوهش جامعی است (احمدی کیش، ۱۳۹۳) که در آن نخست روستاهای بالای ۲۰ خانوار بخش مارگون با استفاده از روش اسکالوگرام گاتمن از نظر توسعه‌نیافتگی سطح‌بندی و تفکیک شده‌اند. روش اسکالوگرام گاتمن بر اساس حضور یا عدم حضور مؤسسات یا نهادهای توسعه‌ای به‌عنوان ضابطه‌ای برای تشکیل سلسله مراتب تعریف می‌شود. همسو با این روش، هر چه در سکونتگاه‌های روستایی تعداد مؤسسات و نهادهای توسعه‌ای بیشتری حضور داشته باشند، از منظر توسعه‌ای رتبه و وضعیت مطلوب‌تری دارند (جمعه پور، ۱۳۸۹). برای این منظور، پنج معیار شامل عمرانی و زیرساختی، سیاسی و اداری، آموزشی، بهداشتی و درمانی و نهایتاً خدماتی و

چالش‌های روستاها اشتغال، درآمد، عدم دسترسی و استفاده از تسهیلات بانکی می‌باشد. میری و همکاران (۱۳۸۹) نیز در مطالعه‌ای با عنوان نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی در بخش پشت آب شهرستان زابل به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی رابطه معناداری وجود داشته و در این رابطه هر یک از مؤلفه‌ها می‌تواند نقش تأثیرگذاری داشته باشند. علیانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان علل توسعه‌نیافتگی روستایی ایران از منظر سرمایه انسانی و اجتماعی نشان داد که وابستگی روستاییان به تصمیم‌گیری بیرونی، ضعف مهارت‌های رهبری و سازماندهی در میان روستاییان، پایین بودن اعتماد به نفس روستاییان برای تصمیم‌گیری، فقدان مدیریت مطلوب توسعه روستایی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی، تشدید بیکاری دائمی و فصلی روستاییان کشور، مهاجرت بی‌رویه روستاییان بالأخص جوانان و نخبگان روستایی از علل توسعه‌نیافتگی روستاهای ایران هستند. سپهردوست (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر توسعه‌نیافتگی از دیدگاه شاخص‌های سلامت نشان داد که با توجه به شاخص‌های در نظر گرفته شده در بخش بهداشت و درمان، استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان در زمره بدترین استان‌ها و اصفهان و تهران بهترین استان‌ها در کشور قرار گرفتند و توزیع نامتعادل پنج عامل پزشکی، مراکز بهداشتی و درمانی روستایی، فاضلاب شهری و روستایی و خانه بهداشت باعث تفاوت‌های منطقه‌ای شده است. آرتور (Arthur, 1964) در تحقیقی به بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی و نقش دولت‌ها در توسعه ناحیه‌ای در آتلانتا پرداخت و به این نتیجه رسید که آنچه باعث توسعه این ناحیه شده مدیریت و هماهنگی در برنامه‌ریزی نسبت به دیگر نواحی است. طلانی (Talani, 2003) پژوهشی را با عنوان انتخاب یک نظام برای توسعه مناطق روستایی در ۱۳ بخش از شهرستان ساوه در استان مرکزی انجام داد. وی در این پژوهش با ارائه‌ی روشی انعطاف‌پذیر، موقعیت موجود شاخص‌های توسعه‌ی روستایی را با استفاده از تحلیل تاکسونومی عددی جهت اولویت‌بندی تخصیص بودجه‌ی پروژه‌های توسعه‌ی روستایی مشخص کرده و با طراحی پنج نقشه‌ی مقیاسی از طریق سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی، مدلی فضایی برای توسعه‌ی نقشه‌های اولیه از مکان‌های مناسب پیشنهاد داده است.

است که پدهازور اعتبار بین ۰/۵ تا ۰/۸ را برای تحقیقات غیرتجربی پذیرفتنی می‌داند. متغیرهای مربوط به عوامل توسعه‌نیافتگی روستاها از دیدگاه روستاییان در زمینه‌ی عوامل توسعه‌نیافتگی روستاها گردآوری شد. به‌منظور کاهش تعداد متغیرهای تحقیق و تعیین سهم هر یک از عامل‌ها از تکنیک تحلیل عاملی استفاده گردید. ابتدا به‌منظور اندازه‌گیری انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی از آزمون KMO و آماره بارتلت استفاده گردید. محاسبات انجام شده نشان داد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی مناسب بوده (KMO برابر با ۰/۷۱۲) و آماره بارتلت نیز در سطح یک درصد معنی‌دار شده است ($F=۰/۶۸$ و $Bartlett's Test=۳۷۱۳/۸۳$). به‌منظور تحلیل داده‌ها نیز از آمارهای استنباطی نظیر تحلیل عاملی، آزمون تی مستقل و تابع تشخیص استفاده شد. داده‌پردازی نیز با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS²⁰ تحت ویندوز، انجام گرفت.

مارگون از توابع شهرستان بویراحمد در استان کهگیلویه و بویراحمد به فاصله ۷۵ کیلومتری از شهر یاسوج (مرکز استان) به‌عنوان مرکز بخش مارگون واقع شده است. این بخش از شرق به بخش پاتاوه و شهرستان دنا و یاسوج و از طرف شمال به منطقه لردگان در استان چهارمحال و بختیاری، از جنوب به بخش و شهر لوداب و از غرب به منطقه دیشموک در شهرستان کهگیلویه منتهی می‌شود. ارتفاع شهر مارگون از سطح دریا ۲۲۴۸ متر است و این ارتفاع زیاد سبب وجود آب و هوای سرد در این شهر شده است به‌طوری که در فصل زمستان معمولاً پوشیده از برف بوده و میانگین بارش سالیانه آن ۸۴۱ میلی‌متر است. این منطقه از لحاظ طبیعی دارای چشم‌اندازهای زیبای جنگلی و چشمه‌ساران فراوان می‌باشد که می‌توان از آبشارهایی نظیر آبشار تنگ ریس در ۱۸ کیلومتری آن، آبشار بهرام بیگی در دو کیلومتری و آبشار زیبای شهینیز نام برد.

از لحاظ صنعتی احداث کارخانه سیمان مارگون نشان از وجود معادن مختلف در این بخش را نوید می‌دهد که معادن سیلیس، آهنک، سنگ گچ، سنگ‌های معدنی و معادن نفت و گاز در این منطقه وجود دارد که نیاز به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و همت مسئولین دارد تا موجبات شکوفایی مقوله صنعت در این بخش فراهم گردد (استاندارداری کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۳).

بازرگانی برای سطح‌بندی در نظر گرفته شدند. فزون بر آن، در معیار عمرانی و زیرساختی شاخص‌های راه، حمل و نقل، شبکه تلویزیونی، شبکه گاز، برق، آب لوله‌کشی، پست، مخابرات، شرکت تعاونی، سالن ورزشی، در معیار سیاسی و اداری شاخص‌های پاسگاه انتظامی، شورای اسلامی، دهیاری، خدمات کشاورزی، در معیار آموزشی شاخص‌های مدرسه (راهنمایی، ابتدایی، دبیرستان) مسجد، کتابخانه، روزنامه و مجله، در معیار بهداشتی خانه بهداشت، مرکز بهداشت، بیمارستان، بهورز، دامپزشک و در معیار خدماتی و بازرگانی شاخص‌های جوشکاری، نجاری، داروخانه، حمام عمومی، نانوائی، قصابی، ماشین‌آلات کشاورزی مورد توجه قرار گرفتند. پس از انجام سطح‌بندی، روستاهای در بالاترین سطح توسعه‌یافتگی و روستاهای در پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی (توسعه نیافته) به‌عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر انتخاب و استفاده شدند. بر همین اساس، سه روستای توسعه‌یافته و سه روستای توسعه نیافته به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. در هر روستای منتخب، ۳۰ درصد از سرپرستان خانوار به‌عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. به این ترتیب ۲۵۰ سرپرست خانوار در جامعه مذکور به‌عنوان پاسخ دهنده گزینش شدند که فهرست روستاهای انتخاب شده و حجم نمونه در جدول ۱ آورده شده است.

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پژوهش، پرسش‌نامه‌ای شامل ۴۴ گویه طراحی شد. گویه‌های مذکور بر اساس مرور پیشینه نگاشته‌ها و مشاهدات اولیه محققان از منطقه به‌دست آمد. برای به دست آوردن اعتبار یک پرسش‌نامه روش‌های مختلفی وجود دارد که در این تحقیق از روش اعتبار محتوا و اعتبار صوری استفاده شده است. در این روش از نظر صاحب نظران و اساتید مجرب و بهره‌گیری از تحقیقات گذشته استفاده شد. روایی پس از چند مرحله اصلاح و بازنگری به‌دست آمد و مشخص شد که پرسش‌نامه از اعتبار محتوایی قابل قبولی برخوردار است.

برای آزمون پایایی پرسش‌نامه نیز شیوه‌های متفاوتی وجود دارد. رایج‌ترین روش برای سنجش پایایی گویه‌های طیف لیکرت، استفاده از ضریب آلفای کرونباخ است. جهت برطرف کردن اشکالات احتمالی پرسش‌نامه، ۳۰ پرسش‌نامه در بین پاسخگویان خارج از نمونه، توزیع و پیش آزمون به عمل آمد. پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری و پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تعیین شد. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده نشان از پایایی بهینه پرسش‌نامه طراحی شده دارد. گفتنی

جدول ۱- جامعه آماری و حجم نمونه

روستاهای توسعه نیافته				روستاهای توسعه یافته			
نمونه	خانوار	روستا	ردیف	نمونه	خانوار	روستا	ردیف
۳۸	۱۲۲	یورک	۱	۴۷	۱۵۸	شهنیز	۱
۱۴	۴۳	تلخدان	۲	۴۶	۱۵۲	موشمی سفلی	۲
۷۲	۲۳۰	باغچه	۳	۳۲	۱۰۷	جوبریز	۳
۱۲۴	۳۹۵	جمع کل		۱۲۶	۴۱۸	جمع کل	

یافته‌ها و بحث

به منظور دستیابی به علل توسعه نیافتگی روستاهای منطقه مورد مطالعه از تحلیل عاملی استفاده شد که نتایج حاصل در ادامه ارائه شده است، در این بررسی با توجه به ملاک کیسیر، ده عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شد. عامل‌ها با روش واریماکس چرخش داده و متغیرهای مربوط به هر عامل را شناسایی کرده و عامل‌های به دست آمده نام‌گذاری شد که نتایج در جدول ۲ آمده است.

این عوامل در مجموع ۷۳/۲۱ درصد از واریانس کل عامل‌ها را تبیین می‌کنند (جدول ۳). از طرف دیگر، ۲۶/۷۰ درصد باقی مانده مربوط به عواملی بود که در تحلیل شناسایی نشده‌اند. عامل اول (اجتماعی) از هفت مؤلفه کمی همکاری در امور مربوط به روستا، وجود بگو و مگو بر سر مسائل روستا، وجود اختلاف و نزاع طایفه‌ای در روستا، کمی وجود دید و بازدید در بین مردم روستا، اندکی اعتماد مردم روستا به دولت، کمی ارتباط و همکاری مردم با ادارات دولتی و پایین بودن مشارکت روستاییان در کارهای عمومی روستا تشکیل شده است که به‌عنوان عامل اجتماعی نامگذاری شدند. این عامل با توجه به مقدار ویژه آن (۴/۳۱)، از تمامی عامل‌های دیگر بیشتر بوده است. همچنین این عامل بیش از ۱۰/۷۰ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند. با توجه به مباحث بیان شده در بالا، می‌توان این‌گونه استنباط نمود که عامل اجتماعی مهم‌ترین عامل توسعه نیافتگی روستاهای بخش مارگون می‌باشد. این یافته‌ها با یافته‌های افراخته (۱۳۸۵) و مختاری و حصارى و زارعی دستگردی (۱۳۸۶) همخوانی دارد. آن‌ها در مطالعات خود نشان دادند که موانع اجتماعی نظیر نابرابری، بیکاری، مهاجرت و پایین بودن انسجام اجتماعی مهم‌ترین علل توسعه نیافتگی روستاهای مورد مطالعه بوده‌اند. عامل دهم (زمینه‌ای) از سه متغیر فقیر بودن مردم روستا، نبود سرمایه‌گذاری، کمبود منابع جمعی تشکیل شده که با مقدار

ویژه ۲/۳۰ که از تمام عامل‌های دیگر کمتر بوده و ۵/۹۵ درصد از کل واریانس را تبیین می‌نماید. برای مقایسه‌ی عوامل توسعه نیافتگی در روستاهای توسعه نیافته و توسعه یافته از عامل‌های بدست آمده از تحلیل عاملی که شامل ده عامل اجتماعی، مالی و اعتباری، فردی، زمینه‌ای، مشارکتی، رضایتی، اعتقادی، زیر بنایی، مدیریتی و اخلاقی بودند، استفاده شد. جدول ۴، یافته‌های حاصل از آزمون T مستقل برای مقایسه عوامل توسعه نیافتگی را نشان می‌دهد. بر مبنای یافته‌های این جدول بین میانگین وضعیت اجتماعی روستاهای توسعه یافته و توسعه نیافته تفاوت آماری معنی‌داری دیده می‌شود ($t = -۳/۱۳۴$ و $P = ۰/۰۰۱$). به طوری که روستاهای توسعه یافته دارای میانگین بالاتری نسبت به روستاهای توسعه نیافته در رابطه با وضعیت اجتماعی بودند. این یافته‌ها با یافته‌های افراخته (۱۳۸۵) و مختاری و حصارى و زارعی دستگردی (۱۳۸۶) که نشان دادند موانع اجتماعی نظیر نابرابری، بیکاری، مهاجرت و عدم انسجام اجتماعی مهم‌ترین علل توسعه نیافتگی روستاهای مورد مطالعه بوده‌اند، همخوانی دارد. یافته‌های مربوط به مقایسه عامل مالی و اعتباری نشان داد که بین دو گروه در این عامل تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($t = ۵/۶۱۵$ و $P = ۰/۰۰۱$). همان‌گونه که در این جدول دیده می‌شود، میانگین گروه توسعه یافته (۱۷/۲۱۶) از گروه توسعه نیافته (۱۵/۲۷۳) بیشتر می‌باشد. این یافته‌ها همسو با یافته‌های بهرامی (۱۳۸۶) می‌باشد. نتایج مربوط به مقایسه میانگین عامل فردی نشان داد بین میانگین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($t = ۰/۱۱۲$ و $P = ۰/۹۱۱$). همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین هر دو گروه تقریباً برابر می‌باشد و دارای ویژگی‌های فردی مشابه هستند (میانگین دو گروه به ترتیب ۱۷/۶۰۰ و ۱۷/۶۴۸). بررسی عامل رضایتی در دو گروه نشان می‌دهد که میانگین هر دو گروه توسعه یافته و توسعه نیافته، تقریباً حدود ۱۲/۶۰ می‌باشد و از این حیث

بالای تمیز در تابع تشخیص دلالت دارد. درجه آزادی تعداد متغیرهای موجود در تابع را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج به دست آمده و معنی‌دار بودن مدل نهایی تابع تشخیص می‌توان تابع نهایی آن را به صورت زیر تعریف کرد. تحلیل تشخیصی ترکیب دو یا چند متغیر مستقل که به بهترین وجه تفاوت بین دو گروه را تبیین می‌کند، نشان می‌دهد این موضوع از طریق حداکثر کردن واریانس بین گروه‌ها نسبت به واریانس درون گروه‌ها بر مبنای قواعد آماری انجام می‌گیرد که به صورت نسبت واریانس بین گروه‌ها به واریانس درون گروه‌ها است. ترکیب خطی برای تحلیل تشخیصی بر مبنای معادله ذیل انجام می‌گیرد.

$$Z = WX_1 + WX_2 + WX_3 + WX_4 + WX_5 + WX_6 + WX_7 + \dots + WX_n$$

در این معادله:

Z = میزان تشخیص (تفاوت)

X = متغیرهای مستقل

W = وزن تشخیص

با توجه به معادله ذکر شده در بالا و نتایج حاصل از تحلیل تشخیصی، تابع ممیزی استاندارد شده را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$Z = -0/356X_1 + 0/330X_2 - 0/348X_3 + 0/662X_4 + 0/471X_5 - 0/449X_6 + 0/497X_7$$

که در آن عبارات X_1 مؤلفه‌ی زمینه‌ای، X_2 مؤلفه‌ی اخلاقی، X_3 مؤلفه‌ی اعتقادی، X_4 مؤلفه‌ی زیربنایی، X_5 مؤلفه‌ی مشارکتی، X_6 مؤلفه‌ی رضایتی و X_7 مؤلفه‌ی مالی و اعتباری می‌باشند. همان‌طور که در تابع ملاحظه می‌شود مؤلفه X_4 که همان مؤلفه زیربنایی یا عمرانی می‌باشد، بیشترین اهمیت را در تفکیک و مجزا کردن دو گروه از هم دارا می‌باشد. همچنین بعد از این مؤلفه به ترتیب مؤلفه‌های X_7 یا مالی و اعتباری، X_5 یا مؤلفه مشارکتی، X_1 یا مؤلفه زمینه‌ای سهم بسزایی در تفکیک کردن دو گروه از هم دارند. فزون بر آن، مؤلفه X_6 یا همان عامل رضایتی کمترین سهم را در تمیز دادن این دو گروه از هم دارا می‌باشد. این یافته‌ها با ابعادی از یافته‌های مطالعات کلاتری و همکاران (۱۳۸۵)، افراخته (۱۳۸۵)، مختاری حصار و زارعی دستگردی (۱۳۸۶)، بهرامی (۱۳۸۶)، مطیعی لنگرودی و سخایی (۱۳۸۸)، سلمانی و همکاران (۱۳۸۹) و علیانی (۱۳۹۰) همخوانی دارد.

بین دو گروه تفاوتی وجود ندارد. آزمون t برای مقایسه میانگین مشارکت دو گروه توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته، نشان دهنده تفاوت معنی‌دار بین دو گروه می‌باشد ($t = 5/821$) و $P = 0/001$. عوامل زیربنایی دو گروه توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته نیز مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل حاکی از آن است که تفاوت معنی‌داری بین گروه‌ها وجود دارد ($t = -8/767$ و $P = 0/001$). گروه توسعه‌یافته نسبت به گروه توسعه‌نیافته دارای میانگین بیشتری بودند. میانگین دو گروه به ترتیب، ۹/۲۵ و ۷/۱۶ می‌باشد. نتایج مقایسه میانگین دو گروه در مورد عامل مدیریتی حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین دو گروه توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته وجود ندارد ($t = 0/602$ و $P = 0/548$) و هر دو گروه دارای میانگین نزدیک به هم (به ترتیب ۷/۵۱۲ و ۷/۶۸۰) هستند. بر مبنای یافته‌های این جدول بین میانگین عامل اعتقادی روستاهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته تفاوت آماری معنی‌داری دیده می‌شود ($t = 4/536$ و $P = 0/001$). به طوری که روستاهای توسعه‌نیافته دارای میانگین بیشتری نسبت به روستاهای توسعه‌یافته در رابطه با مسائل اعتقادی بودند. میانگین دو گروه به ترتیب ۵/۸۰ و ۶/۹۸ می‌باشد. یافته‌های مربوط به مقایسه عامل زمینه‌ای (بستری) در جدول ۴ حاکی از آن است که بین دو گروه تفاوت معنی‌دار وجود ندارد ($t = 0/225$ و $P = 0/822$). همچنین نزدیک بودن میانگین دو گروه حاکی از این مطلب است که میانگین دو گروه توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته یافته به ترتیب ۸/۹۶ و ۹/۰۲ می‌باشد.

یافته‌های حاصل از تابع تشخیص

با توجه به داده‌های به دست آمده از مرحله قبل جهت تعیین مدل پیش‌بینی کننده توسعه و اهمیت هر کدام از عوامل ذکر شده در تفکیک دو گروه از تابع تشخیص استفاده گردید. در این راستا، عامل‌های حاصل از تحلیل عاملی که شامل ۱۰ عامل بودند، وارد تابع شدند تا بتوان مدل مورد نظر برای تفکیک و متمایز کردن دو گروه را شکل داد. یافته‌های حاصل از واکاوی تشخیصی در ادامه به تفصیل آمده است. پس از انجام محاسبات تحلیل تشخیصی، معنی‌داری تابع تشخیص در جدول ۵ ارائه شده است. همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌گردد، مقدار لامبدای ویلکز بیان‌گر معنی‌داری معادله متمایز کننده دو گروه می‌باشد. همان‌گونه که در جدول ۶ آمده است، مقدار لامبدای ویلکز (۰/۵۴۱) و مقدار کای اسکور (۱۵۰/۰۹) می‌باشد که با درجه آزادی هفت در سطح بالایی معنی‌دار است. این آماره بر معنی‌داری و قدرت

جدول ۲- تحلیل عاملی عوامل توسعه نیافتگی روستاهای بخش مارگون

عامل	متغیر	بار عاملی
اجتماعی	کمی همکاری مردم در امور مربوط به روستا	.۶۳۵
	وجود بگو و مگو بر سر مسائل روستا	.۶۱۷
	وجود اختلاف و نزاع طایفه‌ای در روستا	.۸۴۷
	کمی دید و بازدید در بین مردم روستا	.۷۲۸
	اندکی اعتماد مردم روستا به دولت	.۷۹۴
	ضعف ارتباط و همکاری مردم با ادارات دولتی	.۸۰۶
	شرکت نکردن روستاییان در کارهای عمومی روستا	.۶۶۱
مالی و اعتباری	پایین بودن سطح درآمد خانوارها	.۷۵۹
	اعطای کم تسهیلات به مردم روستا	.۶۵۸
	کمی تمایل روستاییان به سرمایه‌گذاری در روستا	.۹۰۰
	کافی نبودن اعتبارات عمرانی دولتی	.۶۱۲
	فضای نامناسب روستا برای سرمایه‌گذاری	.۵۰۵
	اقتصادی نبودن فعالیت‌های روستا	.۶۲۹
فردی (شخصیتی)	اندکی پرداخت خودیاری به وسیله مردم روستا	.۵۰۸
	مقاومت در برابر شیوه‌های جدید	.۷۹۲
	کمی استقبال از مردم از تغییرات و تکنولوژی‌ها	.۷۶۱
	مسئولیت‌پذیر نبودن مردم روستا	.۸۷۷
	علاقه و دلبستگی به شهر و مهاجرت به آن	.۶۴۷
مشارکتی	پایین بودن دانش و آگاهی	.۶۲۴
	کمی ارتباط با مدیریت روستا	.۷۱۶
	پایین بودن مشارکت و عرضه نیروی کار عمرانی	.۵۰۶
	پایین بودن مشارکت مالی	.۸۴۷
زیربنایی	پایین بودن مشارکت سیاسی	.۶۰۸
	فاصله زیاد از روستاهای اطراف	.۷۵۷
	نامناسب بودن راه ارتباطی روستا	.۸۵۲
اعتقادی	کمبود منابع آبی	.۶۹۳
	اعتقاد به شانس و اقبال	.۸۴۹
	اعتقاد به قضا و قدر	.۸۵۱
اخلاقی	مخالفت ریش سفیدان با ایده‌های جدید	.۵۶۸
	پایین بودن جایگاه حق و حقیقت	.۸۸۹
رضابندی	کمی صداقت بین مردم روستا	.۷۱۸
	کمی رضایت از تفریح و گردش	.۸۸۴
	کمی رضایت از پیشرفت‌های زندگی	.۹۲۹
	کمی رضایت از موقعیت اجتماعی	.۸۷۴
مدیریتی	کمی شادی و خوشی در مردم روستا	.۸۹۰
	کم توجهی دولت	.۸۴۱
	ضعف مدیریت روستا	.۸۳۲
	انجام ندادن وظایف دولتمردان	.۷۹۸
زمینه‌ای (بستری)	فقیر بودن مردم روستا	۰/۸۳۱
	کمبود منابع جمعی	۰/۸۰۰
	نبود سرمایه‌گذاری در روستا	۰/۵۳۰

جدول ۳- تعداد عامل‌های استخراج شده و سهم هر یک از آن‌ها

عامل	مقادیر ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی	درصد از کل عامل‌ها
۱	۴/۳۱۰	۱۰/۷۰	۱۰/۰۷۳	۱۰/۰۷۳
۲	۳/۸۹۲	۹/۴۹	۱۹/۵۶۶	۱۹/۵۶۶
۳	۳/۵۳۹	۸/۶۳	۲۸/۱۹۷	۲۸/۱۹۷
۴	۳/۵۱۱	۸/۵۶	۳۶/۷۶۰	۳۶/۷۶۰
۵	۲/۷۳۸	۶/۶۷	۴۳/۴۳۷	۴۳/۴۳۷
۶	۲/۵۹۶	۶/۳۳	۴۹/۷۶۸	۴۹/۷۶۸
۷	۲/۴۶۱	۶/۰۰	۵۵/۷۶۹	۵۵/۷۶۹
۸	۲/۴۴۳	۵/۹۵	۶۱/۷۲۹	۶۱/۷۲۹
۹	۲/۴۰۷	۵/۸۷	۶۷/۵۹۹	۶۷/۵۹۹
۱۰	۲/۳۰۲	۵/۶۱	۷۳/۲۱۳	۷۳/۲۱۳
جمع	-	-	-	۷۳/۲۱۳

جدول ۴- مقایسه میانگین‌ها عوامل کلی توسعه‌نیافتگی در روستاهای توسعه یافته و توسعه‌نیافته

عامل	روستاهای توسعه یافته		روستاهای توسعه نیافته		P	آماره t
	n=۱۲۶		n=۱۲۴			
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
اجتماعی	۱۹/۲۲	۳/۱۶	۱۸/۱۱	۲/۳۷	۰/۰۰۱	-۳/۱۳۴
مالی و اعتباری	۱۷/۲۱	۲/۸۱	۱۵/۲۷	۲/۶۴	۰/۰۰۱	-۵/۶۱۵
فردی (شخصیتی)	۱۷/۶۰	۳/۸۱	۱۷/۶۴	۲/۸۸	۰/۹۱۱	۰/۱۱۲
رضایتی	۱۲/۶۰	۳/۵۸	۱۲/۴۵	۲/۹۰	۰/۷۲۸	۰/۳۴۹
مشارکتی	۱۴/۷۱	۲/۶۵	۱۲/۶۵	۲/۹۲	۰/۰۰۱	-۵/۸۲۱
زیربنایی	۹/۲۵	۱/۹۶	۷/۱۶	۱/۷۹	۰/۰۰۱	-۸/۷۶۷
مدیریتی	۷/۵۱	۲/۶۹	۷/۶۸	۱/۵۶	۰/۵۴۸	۰/۶۰۲
اعتقادی	۵/۸۰	۲/۵۷	۶/۹۸	۱/۳۷	۰/۰۰۱	۴/۵۳۶
اخلاقی	۱۰/۳۴	۰/۹۲	۹/۰۶	۱/۰۶	۰/۰۰۱	-۵/۷۱۱
زمینه‌ای (بستری)	۸/۹۶	۲/۴۶	۹/۰۲	۲/۰۰	۰/۸۲۲	۰/۲۲۵

دارای بیشترین همبستگی با تابع ممیزی است ($r=0/605$). این یافته معرف این است که این متغیر مهم‌ترین عامل در تعیین توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به منظور کاهش تعداد متغیرهای تحقیق در زمینه‌ی عوامل توسعه‌نیافتگی روستاها از دیدگاه روستاییان و تعیین سهم هر یک از عامل‌ها از تکنیک تحلیل عاملی استفاده گردید. ابتدا به منظور اندازه‌گیری انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی از آزمون KMO و آماره بارتلت استفاده گردید. محاسبات انجام شده نشان داد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از

به منظور تعیین میزان همخوانی بین نمرات ممیزی مربوط به دو گروه توسعه یافته و توسعه نیافته، اقدام به محاسبه رابطه همبستگی کانونیکال یا همبستگی کانونی گردید که بر مبنای یافته‌ها برابر $0/85$ می‌باشد. مقدار این ضریب نشان می‌دهد بین نمرات تشخیص و سطوح گروه‌بندی شده همبستگی زیادی وجود دارد. همچنین شاخص مقدار ویژه (Eigen value) معرف نسبت مجموع مربعات تفاوت نمرات ممیزی بین گروه‌ها به مجموع مربعات تفاوت نمرات درون گروه است که برابر با $1/73$ می‌باشد. یافته‌های جدول ۵ همبستگی متغیرهای مدل تلفیقی با تابع ممیزی را نشان می‌دهد. با توجه به این یافته‌ها، عوامل زیربنایی

هستند که به‌عنوان عامل اجتماعی نامگذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه ۴/۳۱۰ آن که از تمامی عامل‌های دیگر بیشتر است، بیش از ۱۰/۷۰۳ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند. همچنین عامل دهم از سه متغیر تشکیل شده است و با مقدار ویژه ۲/۳۰۲ که از تمام عامل‌های دیگر کمتر است و ۵/۹۵۹ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند. همچنین یافته‌های استنتاج شده از مقایسه میانگین‌ها بین این عوامل در دو گروه روستاهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته نشان داد که بین میانگین عامل‌های اجتماعی، زمین‌های، مشارکت، زیربنایی، اعتقادی و اخلاقی بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از تابع تشخیص نشان داد که عامل‌های زیربنایی، مشارکتی، مالی و اعتباری و زمین‌های بیشترین اهمیت را در تفکیک دو گروه از هم دارا می‌باشند. در راستای نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر پیشنهادهایی در ادامه ارائه می‌گردد.

تکنیک تحلیل عاملی مناسب بوده (KMO برابر با ۰/۷۱۲) و آماره بارتلت نیز در سطح یک درصد معنی‌دار بود. در این بررسی با توجه به ملاک کیسیر، ده عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شد که به نام‌های مدیریتی، اجتماعی، زمین‌های، رضایتی، زیربنایی، مالی و اعتباری، مشارکتی، اعتقادی، فردی و اخلاقی نامگذاری شدند. این عوامل در مجموع ۷۳/۲۱۳ درصد از واریانس کل عامل‌ها را تبیین می‌کنند. از طرف دیگر، ۲۶/۷۰۲ درصد باقی‌مانده مربوط به عواملی بود که در تحلیل شناسایی نشده بودند. عامل اول از هفت متغیر عدم همکاری در امور مربوط به روستا، وجود بگو و مگو بر سر مسائل روستا، وجود اختلاف و نزاع طایفه‌ای در روستا، فقدان وجود دید و بازدید در بین مردم روستا، عدم اعتماد مردم روستا به دولت، فقدان ارتباط و همکاری بین مردم و ادارات دولتی، شرکت نکردن روستاییان در کارهای عمومی روستا تشکیل دهنده عامل اول

جدول ۵- نتایج حاصل از تحلیل تشخیصی

متغیر	همبستگی	میانگین		ماتریس همبستگی													
		توسعه‌یافته	توسعه‌نیافته	سطح معنی‌داری	زمین‌های	اخلاقی	تک‌گرمی	مدیریتی	زیربنایی	مشارکتی	رضایتی	فردی	مالی و اعتباری	اجتماعی			
زمین‌های	-۰/۰۱۶	۸/۹۶	۹/۰۲	۰/۸۲	۱												
اخلاقی	۰/۳۴۸	۱۰/۳۴	۹/۰۶	-۰/۰۰۱	۰/۱۹	۱											
اعتقادی	-۰/۳۱۳	۵/۸۰	۶/۹۸	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۲	۱										
مدیریتی	۰/۰۸۳	۷/۵۱	۷/۶۸	۰/۵۴	۰/۲۲	۰/۰۴	۰/۰۶	۱									
زیربنایی	۰/۶۰۵	۹/۲۵	۷/۱۶	-۰/۰۰۱	۰/۰۸	-۰/۰۸	۰/۰۹	-۰/۱۴	۱								
مشارکتی	۰/۴۰۱	۱۴/۷۱	۱۲/۶۵	-۰/۰۰۱	۰/۱۲	-۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۱۷	-۰/۰۴	۱							
رضایتی	-۰/۰۲۴	۱۲/۶۰	۱۲/۴۵	۰/۷۲	۰/۲۱	-۰/۱۰	-۰/۰۶	-۰/۳۳	-۰/۳۴	۰/۳۱	۱						
فردی	-۰/۰۴۲	۱۷/۶۰	۱۷/۶۴	۰/۹۱	۰/۲۷	-۰/۱۲	۰/۴۱	-۰/۱۷	-۰/۱۵	-۰/۲۰	۰/۳۳	۱					
مالی	۰/۳۸۷	۱۷/۲۱	۱۵/۲۷	-۰/۰۰۱	۰/۴۸	-۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۲۹	-۰/۲۲	۰/۰۸	-۰/۳۳	۰/۲۱	۱				
اجتماعی	۰/۰۸۸	۱۹/۲۲	۱۸/۱۱	-۰/۰۰۲	۰/۲۰	-۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۲۶	۰/۱۸	۰/۱۳	-۰/۳۷	۰/۲۲	۰/۲۳	۱			

است. همچنین، جذب سرمایه‌گذاران و بخش خصوصی به سمت روستاهای مارگون و فرهنگ‌سازی برای تغییر الگوهای مصرف و تولید در روستا نیز در جهت بهبود منابع اقتصادی و مالی روستاها و توسعه آن توصیه می‌گردد. در نهایت برنامه‌های توسعه روستایی جهت ایجاد اشتغال در بخش‌های غیر کشاورزی، توسعه اجتماعی و معماری روستا، افزایش سطح رفاه، تأکید بر جذب و توسعه فناوری‌های جدید و آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر تدوین و اجرا گردد.

از آنجا که در این پژوهش، عامل اجتماعی به‌عنوان بارزترین عامل توسعه‌نیافتگی نمایان شد، پیشنهاد می‌گردد که برنامه‌های آموزش اجتماعی مناسب در راستای فرهنگ‌سازی، همگرایی و مشارکت‌پذیری اجتماعی در میان روستاییان اجرا گردد. دومین عامل توسعه‌نیافتگی روستایی در منطقه مارگون، کمبود منابع مالی و اعتباری شناسایی شد. از این روی، توسعه صنایع دستی و روزآمدسازی آن‌ها بسیار ضروری

منابع

- احمدی کیش، ع. ا. (۱۳۹۲). علل توسعه نیافتگی مناطق روستایی شهرستان بویراحمد: مورد مطالعه بخش مارگون. پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج.
- استانداری کهگیلویه و بویراحمد. (۱۳۹۳). سیمای استان کهگیلویه و بویراحمد. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <http://www.kb.ir>.
- افراخته، ح. (۱۳۸۵). نقش ادراک محیطی در توسعه نیافتگی روستایی شهرستان فومن. *جغرافیا و توسعه*، شماره ۱۴، صص ۱۷۵-۱۵۷.
- بهرامی، ر. (۱۳۸۶). چالش‌های عمده توسعه پایدار. *تحقیقات جغرافیا*، شماره ۹۸، صص ۱۴۱-۱۲۶.
- جمعه پور، م. (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی دیدگاه‌ها و روش‌ها*. تهران: انتشارات سمت.
- حسینی، ع. (۱۳۷۵). مقایسه درجه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان‌های کشور. *فصلنامه جهاد*، شماره ۱۸۴، صص ۵۶-۵۱.
- رضائی مقدم، ک. و کرمی، ع. (۱۳۸۵). ترویج کشاورزی، فقر و کشاورزی پایدار: تحلیل مسیر (Path analysis). *علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، جلد ۲، شماره ۲، صص ۸۲-۶۷.
- سپهردوست، ح. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر توسعه‌یافتگی از دیدگاه شاخص‌های سلامت. *مجله مدیریت اطلاعات سلامت*، شماره ۲، صص ۸-۱.
- سلمانی، م.، تقی‌پور، ف.، رمضان‌زاده، م.، و جلیلی، ز. (۱۳۸۹). بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، سال ۲، شماره ۱۱، صص ۴۰-۱۹.
- علیائی، م. ص. (۱۳۹۰). علل توسعه‌نیافتگی روستایی از منظر سرمایه انسانی و اجتماعی. *فصلنامه جغرافیای ایران*، شماره ۳۰، صص ۱۶۱-۱۴۵.
- علیائی، م. ص. و محمدی‌نژاد، ب. (۱۳۸۹). بررسی نقش سرمایه اقتصادی در توسعه‌نیافتگی روستایی ایران مطالعه موردی روستاهای شهرستان دیواندره. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱۸، صص ۱۵۶-۱۴۳.
- فتحی، ع. (۱۳۸۹). تحلیل سیستماتیک نقش عوامل جغرافیایی در توسعه روستاهای اردبیل. *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، شماره ۲۸، صص ۳۹-۱۹.
- قالیباف، م. ب. و میرزا زاده کوهشاهی، م. (۱۳۸۸). علل و موانع توسعه‌نیافتگی جزیره ابوموسی. *فصلنامه جغرافیا*، دوره ۷، شماره ۲۰ و ۲۱، صص ۲۳-۱۰.
- کریمی، م. ح. و هاشمی، ا. (۱۳۸۸). نظرسنجی از روستاییان در مورد چالش‌های توسعه پایدار روستایی در دهستان ساروق استان اراک. *فصلنامه روستا و توسعه*، شماره ۲، صص ۱۷۸-۱۵۵.
- کلانتری، خ. اسدی، ع.، شعبانعلی‌فمی، ح.، و چوپچیان، ش. (۱۳۸۵). چالش‌های عمده توسعه روستایی در ایران جهت دستیابی به توسعه پایدار. *فصلنامه روستا و توسعه*، شماره ۶۲، صص ۲۳-۱.
- مختاری حصار، آ. و دستگردی، ز. (۱۳۸۶). بررسی موانع و چالش‌های توسعه روستایی در ایران از منظر برنامه‌ریزی. *مجله سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*، شماره ۱۸، صص ۳۹-۳۲.
- مطیعی‌لنگرودی، ح. و سخایی، ف. (۱۳۸۸). مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۷۰، صص ۱۲۶-۱۱۱.
- موسی‌پورمیاندهی، پ. و استعلاجی، ع. ر. (۱۳۸۹). تحلیلی بر سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی بندر انزلی. *جغرافیایی سرزمین*، شماره ۲۶، صص ۱۲۵-۱۱۹.
- میری، غ. ر.، جوان، ج.، افراخته، ح.، ولایتی، س. و شایان، ح. (۱۳۸۹). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی منطقه پشت آب سیستان. *فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره ۱۴، صص ۴۹-۲۹.
- نوروزی، م. و حیاتی، د. (۱۳۹۴). سازه‌های مؤثر بر معیشت پایدار روستایی از دیدگاه کشاورزان استان فارس. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، جلد ۱۱، شماره ۱، صص ۱۴۴-۱۲۷.

یدقار، ع. (۱۳۸۳). روند تحول و چالش‌های عمران و توسعه روستایی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۶، شماره ۴۸، صص ۹۰-۷۱.

Aazami, M., Chrktabian, T., Nadery, K., and Pouyan, M. (2012). Management of rural disparity: A numerical taxonomy approach. *International Journal of Agriculture, Research and Review*, 2, 467-474.

Arthur, H. (1964). The rural regional development management in central city, revitalization. *Journal of Planning Literature*, 8(4), 45-55.

Talani, G.R. (2003). Rural area selection system for development. International institute for geo-information science and earth observation enschede. the Netherlands. M.Sc. thesis, ITC University.

Comparative Analysis of the Causes of Rural Underdevelopment: The Case of Villages in Margoon District of Boyer-Ahmad County

A. A. Ahmadikish, M. Ahmadvand* and M. Sharifzadeh¹

(Received: Dec, 12. 2015; Accepted: Aug, 08. 2016)

Abstract

The aim of this study was to investigate the causes of rural underdevelopment in Margoon district of Boyer-Ahmad County. For this purpose, at the first step, developed and underdeveloped villages were identified using Scalogram technique. Then, three villages with high level and three villages with low level of development were chosen. In each selected village, 30 percent of heads of rural households were selected as responding group. Therefore, 225 heads of rural households had participated in this study. A questionnaire was used for gathering data and factor analysis, compare means and discriminant analysis were implemented to analyze the data. In this regard, factor analysis was used to measure internal consistency of the variables. The KMO index and Bartlett's test considered suitable for factor analysis. Factor analysis showed that 10 factors were extracted. Managerial, social, economic, attitude, fundamental, satisfaction, individual, participation, ethical, and financial factors. Factor analysis showed that the 10 factors accounted for 73.21 percent of the total variance. Also, compare means analysis showed that the status of social, financial, participation, fundamental, ethical and individual factors were significantly different between developed and under-developed villages. For determining the importance of each factor in separating two village groups, a discriminant analysis was used. Findings showed the fundamental (with weight of 0.662) and participation (0.471) factors had the most contribution to classify the two village groups.

Keywords: Agricultural Extension, Rural Development, Underdevelopment, Factor Analysis, Margoon, Boyer-Ahmad.

1- Former M.Sc. Student of Rural Development, Associate Professor. of Agricultural Extension and Development and Assistant Prof. of Agricultural Extension and Education, Department of Rural Development Management, Faculty of Agriculture, Yasouj University, respectively. Yasouj, Iran.

*- Corresponding author, Email: mahmadvand@yu.ac.ir